

توالی و سلسله مراتب در ترجمه

دکتر فرهاد مشفق

دانشگاه اصفهان

بر اساس تعریف نایدا (۱۹۶۴) از ترجمه، هدف مترجم باید نگارش متنی باشد که تا حد امکان معادل متن اصلی است. بدیهی است این تعادل، تعادل کمی نیست زیرا در این صورت تعداد کلمات متن ترجمه شده باید برابر با تعداد کلمات متن اصلی باشد، حال این که چنین چیزی در عمل امکان پذیر نیست. بنابراین تعادل ترجمه‌ای نیاز به تعریف دارد. نایدا این تعادل را تعادل در صورت، سبک و معنی ذکر می‌کند، و آنجا که برقراری تعادل در هر سه سطح امکان‌پذیر نباشد - که در عموم موارد چنین است - به عقیده نایدا ضروری است مترجم بکوشد دست کم تعادل معنایی برقرار کند. شاید کمتر کسی با این عقیده نایدا مخالف باشد، بنابراین به بحث بیشتر در این زمینه نیازی نیست.

در اینجا سؤال این است که این تعادل معنایی به چه معناست. آیا تعادل معنایی مفهوم واحد و لاینفکی است یا اینکه مفهومی است پیچیده که از عناصر متعددی تشکیل شده است؟ فلاسفه و زبان‌شناسانی که در زمینه معنی‌شناسی سخن رانده‌اند بوضوح پیچیدگی و تعدد عناصر تشکیل دهنده معنی را نشان داده‌اند. از نظر آنان تعادل معنایی هم مستلزم برابری یکایک عناصر معنایی متن است و هم به نحوه ترکیب این عناصر بستگی دارد و این هر دو وجه تعادل معنایی باید در فرایند ترجمه و ارزیابی آن مورد نظر قرار بگیرد.

حال اگر قرار باشد معیار یا معیارهایی عینی برای سنجش تعادل معنایی در ترجمه در دست باشد، باید عناصر تشکیل دهنده معنی را از یکدیگر تفکیک و بصورتی عینی توصیف کرد. "شم زبانی" که مترجمان و ناقدان ترجمه در تشخیص تعادل معنایی بکار می‌برند، دانشی ناخود آگاه، عینی و مبهم است، مغایر با آنچه که پاپر (۱۹۷۹) آن را دانش عینی می‌نامد. کسب دانش عینی در این زمینه مستلزم تجزیه مفهوم تعادل معنایی و توصیف صریح اجزاء آن است. هدف این مقاله بررسی یکی از این عناصر است.

بحث را با تعریف "حادثه" آغاز می‌کنیم. حادثه مجموعه‌ای از حرکات و اعمال سازمان یافته و مرتبط با یکدیگر است. میان اعضای هر مجموعه دو نوع رابطه "توالی" و "سلسله مراتب" وجود دارد. برای درک رابطه توالی، به حادثه "رفتن به رستوران" توجه کنید. در این حادثه "دیدن لیست غذا" مقدم بر سفارش غذا است و خوردن غذا پس از سفارش آن انجام می‌شود. شواهد تجربی موجود دلالت بر این دارد که ذهن نیز میان حرکات یک حادثه رابطه توالی برقرار می‌کند. برای مثال بوور و همکارانش

(۱۹۷۹) داستانهای را طوری تنظیم کردند که در آنها حرکات توالی منظمی نداشتند. محققان مذکور این داستانها را به افراد دادند و از آنها خواستند تا پس از خواندن داستانها حوادث را تا آنجا که به خاطر می آورند بازگو کنند. افراد داستانها را بصورتی نقل کردند که حرکات یا اعمال مرتبط با یکدیگر در کنار یکدیگر در جای طبیعی خود قرار داشتند.

لیشتن شتاین و بروئر (۱۹۸۰) نیز در آزمایشی از افراد خواستند تا فیلمهایی را که در آنها حرکات و اعمال فاقد توالی طبیعی خود بود تماشا کنند و پس از آن داستانها را بازگو کنند. نتایجی که به دست آمد مشابه نتایج آزمایش بوور و همکارانش بود.

توالی تنها رابطه‌ای که مجموعه حرکات و اعمال یک حادثه با یکدیگر دارند نیست. توالی زمانی میان باز کردن در رستوران و وارد شدن به آن همانند توالی زمانی میان وارد شدن به رستوران و نشستن روی صندلی کنار میز مناسب است. توالی میان نشستن و برداشتن صورت غذا و خواندن لیست غذا همانند توالی زمانی میان انتخاب کردن غذا از لیست غذا و صحبت کردن با پیشخدمت است. ولی اقلأ شم انسان می‌گوید که باز کردن در رستوران و وارد شدن به آن، حرکات یک صحنه‌اند در حالیکه وارد شدن به رستوران و نشستن روی یک صندلی کنار میز مناسب، حرکات دو صحنه متفاوتند. همینطور نشستن و برداشتن صورت غذا با وجود اینکه توالی زمانی دارند مربوط به دو صحنه متفاوتند: اولی مربوط به جایگزینی و دومی مربوط به انتخاب غذا است. به همین ترتیب، خواندن لیست غذا و سخن گفتن با پیشخدمت درباره نوع غذا، با وجود توالی زمانی که دارند، مربوط به دو صحنه متفاوتند: اولی مربوط به انتخاب غذا و دومی مربوط به دستور دادن آن است. این مطلب درباره سایر حوادث نیز صادق است.

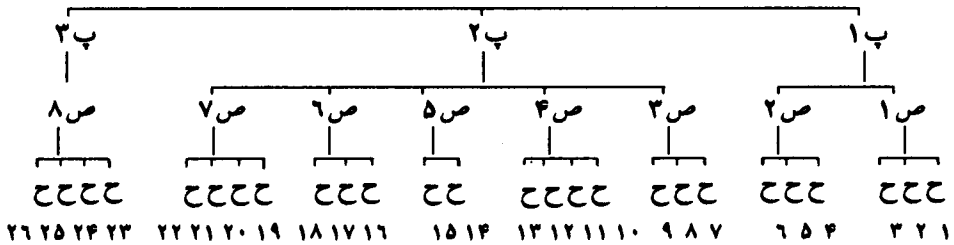
اگر حوادث را به نمایشنامه تشبیه کنیم، هر حادثه شامل چند پرده و هر پرده شامل چند صحنه و هر صحنه شامل چند حرکت است. بدین ترتیب، حرکات بصورت مجموعه‌هایی در می‌آیند که هر دسته زیر یکی از صحنه‌ها قرار می‌گیرد و صحنه‌ها مجموعه‌هایی را تشکیل می‌دهند که هر دسته زیر پوشش یک پرده واقع می‌شود و پرده‌ها مجموعه‌هایی تشکیل می‌دهند که زیر پوشش یک حادثه‌اند. به عبارت دیگر، حادثه همانند سرفصلی است که شامل پرده‌ها می‌گردد. هر پرده سرفصل کوچکی است که شامل مجموعه‌ای از صحنه‌ها می‌شود و هر صحنه سرفصل باز هم کوچکی است که مجموعه‌ای از حرکات را در بر می‌گیرد. مثلاً اگر مجلس عروسی را یک حادثه بدانیم، پنج پرده برای آن قابل تصور است:

- ۱- مقدمه که شامل ورود میهمانان می‌شود، ۲- شام، ۳- آوردن عروس، ۴- حجله کردن عروس و داماد،
- ۵- خاتمه و عزیمت میهمانان. پرده‌ها نیز شامل صحنه‌ها می‌شوند. مثلاً پرده دوم یعنی شام شامل چهار صحنه ۱- فرا خواندن میهمانان به شام، ۲- انتخاب غذا توسط میهمانان، ۳- خوردن غذا، ۴- برگشتن به سالن عروسی می‌باشد. صحنه‌ها هم حرکات را در بر می‌گیرند، مثلاً صحنه دوم، شام، شامل حرکات برداشتن برنج، انتخاب و برداشتن خورش، انتخاب نوع و یا مقدار نوشابه، انتخاب سالاد و انتخاب دسر می‌گردد. این سخن به این معنی است که حوادث را می‌توان بصورت ساختی سلسله مراتبی که دارای توالی

پرده‌ها، صحنه‌ها و حرکات است نشان داد. رابطهٔ سلسله مراتبی، نوع دوم ارتباطی است که میان حرکات یک حادثه وجود دارد.

با توجه به آنچه گفته شد، حادثه‌ای مانند رفتن به رستوران را می‌توان با ساختن سلسله مراتبی بصورت شکل (۱) نشان داد: (پ به پرده، ص به صحنه و ح به حرکت اشاره دارد)

رفتن به رستوران



پ ۱ - ورود	ح ۴ - دنبال میز مناسب گشتن	ح ۱۷ - لقمه گیری و خوردن
پ ۲ - سر میز غذا	ح ۵ - انتخاب میز مناسب	ح ۱۸ - خاتمه خوردن
پ ۳ - خروج	ح ۶ - نشستن روی صندلی	ح ۱۹ - تقاضای صورتحساب
ص ۱ - ورود	ح ۷ - نگاه کردن به لیست	ح ۲۰ - آوردن صورتحساب
ص ۲ - نشستن سر میز غذا	ح ۸ - خواندن نام غذاها	ح ۲۱ - دیدن صورتحساب
ص ۳ - انتخاب غذا	ح ۹ - انتخاب از میان غذاها	ح ۲۲ - گذاشتن پول در بشقاب
ص ۴ - دستور دادن غذا	ح ۱۰ - بحث درباره انتخاب غذا	مخصوص
ص ۵ - آوردن غذا	ح ۱۱ - دستور دادن غذا	ح ۲۳ - برخاستن و رفتن بطرف
ص ۶ - خوردن غذا	ح ۱۲ - نوشتن نام غذاها	در رستوران
ص ۷ - پرداخت	توسط پیشخدمت	ح ۲۴ - باز کردن در رستوران
ص ۸ - خروج	ح ۱۳ - رفتن پیشخدمت	ح ۲۵ - خارج شدن
ح ۱ - باز کردن در رستوران	ح ۱۴ - آمدن پیشخدمت با غذا	ح ۲۶ - بستن در رستوران
ح ۲ - داخل شدن	ح ۱۵ - چیدن غذا روی میز	
ح ۳ - بستن در رستوران	ح ۱۶ - برداشتن قاشق و چنگال	

شواهد تجربی ذکر شده وجود نوعی دسته‌بندی میان حرکات تشکیل دهنده یک حادثه را تایید می‌کند. ولی تحقیقی که نوع دسته‌بندی را بصورت شکل (۱) مشخص می‌کند تحقیقی است که ابوت، بلک و اسمیت (۱۹۸۵) انجام داده‌اند. این پژوهشگران طی سه آزمایش داستانهایی را به افراد دادند. این داستانها به چهار صورت تهیه شده بود:

۱- در داستان از رویدادهای رده‌های پایین سلسله مراتب و از رویدادهای رده‌های بالاتر ذکری به میان نیامده بود.

۲- تنها اشاره‌ای به پرده یا صحنه شده بود ولی ذکری از حرکات و اعمال به میان نیامده بود. مثلاً در مورد رفتن به رستوران جمله "دستور غذا را دادند" در متن وجود داشت ولی جمله "درباره انتخاب غذاها بحث کردند" بیان نشده بود.

۳- یکی از حرکات یا اعمال صحنه ذکر شده بود ولی اشاره‌ای به صحنه نشده بود. مثلاً در مورد رفتن به رستوران جمله "درباره انتخاب غذاها بحث کردند" ذکر شده بود ولی به جمله "دستور غذا را دادند" اشاره‌ای نشده بود.

۴- هم صحنه و هم اعمال ذکر شده بود.

سپس فهرستی از جملات در اختیار افراد قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا مشخص کنند که کدامیک از جملات فهرست را در داستان خوانده و کدامیک را نخوانده‌اند. تنها در مورد چهارم نیمی از تشخیصهای درست مربوط به صحنه‌ها و نیم دیگر مربوط به حرکات و اعمال بود. در موارد ۱ تا ۳ جملات مربوط به صحنه‌ها بهتر از جملات مربوط به حرکات و اعمال به خاطر آورده شده بود. جالب این بود که در مورد ۳ که ذکری از حرکات و اعمال به میان آمده بود ولی به صحنه‌ها اشاره‌ای نشده بود افراد، بر خلاف واقع، تصور می‌کردند که جملات مربوط به صحنه‌ها را در متن دیده و خوانده‌اند.

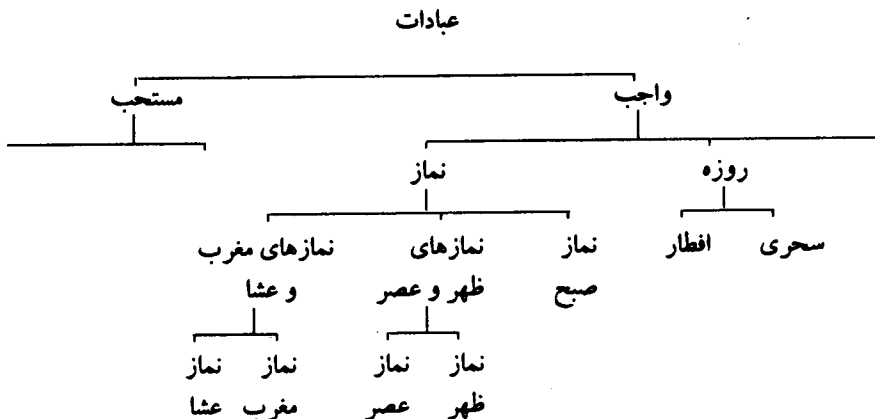
نتایج تحقیقی که بلک و برن (۱۹۸۱) در زمینه حافظه انجام داده‌اند دلالت بر این دارد که وقتی خوانندگان متن بتوانند از دانش پیشین خود استفاده کرده و از طریق استنتاجهای منطقی خلاهای متن را در ذهن خود پر کنند، بعدها محتوای آن متن را بهتر به خاطر می‌سپارند. سایر پژوهشهایی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد که افراد متنی را می‌خوانند و بعدها تصور می‌کنند که برخی گزاره‌ها را در متن دیده‌اند در حالیکه این گزاره‌ها در واقع در متن نبوده بلکه استنتاجهای منطقی است که از متن خوانده شده به دست آمده است (برنسفورد و جانسون ۱۹۷۳؛ تورن دایک ۱۹۷۶).

بنا به گفته ابوت، بلک و اسمیت (۱۹۸۵)، این نتایج اشاره بر این دارد که اطلاعات مربوط به حوادث در حافظه نه تنها ساختی متوالی دارد بلکه بصورت نظامی سلسله مراتبی به ثبت می‌رسد. بسیاری از نظریه‌های حافظه تاکید بر این دارند که داستانها و حوادث با سازمانی سلسله مراتبی در حافظه نگهداری می‌شوند (مندلر و جانسون ۱۹۷۷، رومل هارت ۱۹۷۷، تورن دایک ۱۹۷۷).

اگر حافظه اینگونه است که اطلاعات را دو نوع سازمان می‌دهد، سازمان خطی یا متوالی و سازمان

سلسله مراتبی، پس وظیفه نویسنده چیست؟ از آنجا که روابط توالی و سلسله مراتبی اکسابی است، یعنی باید از طریق تجربه آموخته شود، یکی از دو شرط زیر باید تحقق یابد: یا باید دانش این روابط میان نویسنده و خواننده مشترک باشد، یا باید نویسنده اشارات زبانی در متن بگنجانند تا خواننده از طریق این اشارات به آن روابط دست یابد. چه اگر خواننده از این روابط آگاه نباشد، نماد ذهنی متن که هدف نگارنده است در خواننده به وجود نمی آید.

در مورد ترجمه مسأله پیچیده تر از نگارش معمولی است، زیرا نویسنده متن اصلی صاحب فرهنگ و نظامی از اطلاعات است که تا اندازه زیادی با فرهنگ و نظام اطلاعات خواننده ترجمه تفاوت دارد. مثلاً ممکن است نویسنده متن اصلی فارسی باشد که در اینصورت فرهنگش اساساً اسلامی و اطلاعاتش منشعب از تجربیات اوست. خواننده ترجمه ممکن است انگلیسی زبان باشد که در اینصورت فرهنگی اساساً غربی دارد و اطلاعاتش منشعب از تجربیات او در محیط پرورشی خود او است. برای روشن شدن مطلب فرض کنیم که متن اصلی به زبان فارسی است و زمان رخ دادن رویدادهای آن ماه مبارک رمضان است. برخی از رویدادهای یک روز قهرمان داستان، یا موضوع بخشی خاص، مراسم خوردن سحری، خواندن نماز صبح، خواندن نمازهای ظهر و عصر، خواندن نمازهای مغرب و عشا و مراسم افطار است. از نظر توالی میان سحری، نماز صبح، نمازهای ظهر و عصر و افطار از طرفی و نمازهای شب و افطار رابطه وجود دارد. رابطه توالی گروه اول ثابت است ولی میان افطار و نمازهای شب این رابطه انتخابی است و توالی ثابتی وجود ندارد. از نظر سلسله مراتبی، سحری و افطار زیر پوشش مراسم روزه اند و حالیکه نماز صبح، نمازهای ظهر و عصر و نمازهای مغرب و عشا ربطی به مراسم روزه ندارند، گرچه در توالی با آن رابطه دارند. از این که بگذریم همه این رویدادها با نظامی سلسله مراتبی زیر پوشش عبادات قرار می گیرند، مثل شکل ۲:



گاهی اینگونه روابط در قالب عناصر زبان بیان می‌گردد. نمونه خوبی از این نوع نگارش، متونی است که دارای طبقه‌بندی و زیر طبقه‌بندیهای منظم است و در آنها روابط توالی به تصریح بیان شده است. گاهی هم روابط سلسله‌مراتبی در قالبهای غیر زبانی ریخته می‌شود. کتبی که عنوان‌های فصول و بخش‌ها را با حروفی دارای اندازه‌های متفاوت بیان می‌کنند از این زمره‌اند. برخی نویسندگان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری را به عهده خواننده می‌گذارند.

در هر حال اگر منظور نویسنده متن اصلی ایجاد نماد روابط توالی و سلسله‌مراتبی خاصی در ذهن خواننده بوده است متن ترجمه شده نیز باید همان روابط را در ذهن خواننده ایجاد کند. اینکه کدامیک از تدابیر را برای نیل به این هدف باید برگزید نیاز به بررسی جداگانه‌ای دارد. در شرایط موجود باید به برآوردی ذهنی از تعادل روابط توالی و سلسله‌مراتبی در دو متن یعنی متن اصلی و متن ترجمه شده قناعت کرد تا در تحقیقات آینده عناصر زبانی لازم برای بیان این روابط کشف شود.

در ابتدا سخن با یکی از خواص کلی ترجمه یعنی تعادل معنایی آغاز شد. گفتیم که تعادل معنایی مفهومی پیچیده و مرکب است و برای نیل به آنچه پاپر (۱۹۷۹) آنرا دانش عینی می‌نامد باید این مفهوم را به عناصر تشکیل دهنده آن تجزیه کرده و هر یک را به طور عینی بیان کنیم. شواهدی از نتایج آزمایشهای روانشناسی نقل شد که اشاره بر این دارد که انسان داستانها، حوادث و احتمالاً استدلالهای پیچیده را با دو گونه سازمان توالی و سلسله‌مراتبی در مغز به ثبت می‌رساند. نتیجه‌ای که از این بحث حاصل می‌شود این است که یکی از ابعادی که در آن تعادل معنایی میان متن اصلی و متن ترجمه شده را باید جستجو کرد، بُعد روابط توالی و سلسله‌مراتبی است. ارزیابی ترجمه نیز باید شامل بررسی تدابیری باشد که مترجم برای نشان دادن اینگونه روابط در متن گنجانده است.

References

- Abbott, V., & Black, J.B. (1980). The representation of scripts in memory. (Tech. Rep. No. 5) Cognitive Science Program, Yale University.
- Abbott, V., Black, J.B., and Smith, E.E. (1985). Journal of Memory and Language, 24, 179-199.
- Black, J.B., & Bern, H. (1981). Causal coherence and memory for events in narratives. Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior, 20, 267-275.
- Bower, G.H., Black, J.B., & Turner, T.J. (1979). Scripts in text comprehension and memory. Cognitive Psychology, 11, 177-220
- Bransford, J.D., & Johnson, M.K. (1973). Considerations of some problems of comprehension. In W.G. Chase (Ed.), Visual Information Processing, New York: Academic Press.
- Lichtenstein, E.H., & Brewer, W.F. (1980). Memory for goal-directed events. Cognitive Psychology, 12, 412-445.
- Mandler, J.M., & Johnson, N.S. (1977). Remembrance of things parsed: Story structure and recall. Cognitive Psychology, 9, 111-151.